

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه ۲

سطح ۲

درس ۳۴

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای جمالی

**مقدمه**

در درس گذشته برخی از شرایط صحت روزه، مانند شرطیت عقل، خالی بودن از حیض و نفاس و عدم سفر بیان شد. در موضوع شرط عدم سفر به برخی مسائل فرعی نیز پرداخته شد.

در این درس برخی دیگر از مباحث سفر در هنگام روزه‌داری را بیان می‌شود، مانند این که مسافر قبل از زوال به وطنش برسد یا به جایی که قصد اقامت ده روز در آنجا را دارد و نیز اگر بعد زوال برسد و مفطری را انجام نداده باشد حکمش چگونه است. و سپس به آخرین شرط از شرایط صحت صوم که عدم بیماری مضر باشد می‌پردازیم.

## متن عربی

٨. و اما المسافر العائد إلى وطنه، فالمشهور التفصيل فيه بين قدومه قبل الزوال فعليه الصوم ان لم يكن قد أفطر و ما بعده فليس له ذلك لموثق أبي بصير: «سألته عن الرجل يقدم من سفر في شهر رمضان، فقال: ان قدم قبل زوال الشمس فعليه صيام ذلك اليوم و يعتدّ به»<sup>١</sup> و غيره.

أجل هو قبل الوصول الى وطنه بالخيار لصحيح محمد بن مسلم: «سألت أبا جعفر عليه السلام عن الرجل يقدم من سفر في شهر رمضان فيدخل أهله حين يصبح أو ارتفاع النهار، قال: إذا طلع الفجر و هو خارج و لم يدخل أهله فهو بالخيار ان شاء صام و إن شاء أفطر»<sup>٢</sup> و غيره.

٩. و اما الداخل بلدا يعزم فيه على الإقامة فعليه صومه ان وصله قبل الفجر و له ذلك ان وصله قبل الزوال لصحيح محمد بن مسلم عن أبي عبد الله عليه السلام: «... فإذا دخل أرضا قبل طلوع الفجر و هو يريد الإقامة بها فعليه صوم ذلك اليوم، و ان دخل بعد طلوع الفجر فلا صيام عليه و ان شاء صام»<sup>٣</sup>. هذا و لكن المشهور وجوب الصوم عليه متى ما وصل قبل الزوال بدون فرق بين ما قبل الفجر و ما بعده؛ و الاحتياط يقتضى ذلك لان به يحصل التحفظ من مخالفتهم و مخالفة الصحيح.

١٠. و اما اعتبار عدم المرض المضرّ فلقوله تعالى: «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» و النصوص الشريفة. و اما اعتبار استلزامه للضرر فلانصراف إليه و التصريح به في صحيح محمد بن مسلم: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما حدّ المريض إذا نقه في الصيام؟ فقال: ذلك إليه هو أعلم بنفسه إذا قوى فليصم»<sup>٤</sup> و غيره.

١١. و اما كفاية الخوف لاحترازه، فلأن ذلك طريق عقلائي في باب تشخيص الضرر، و حيث لم يردع عنه فيكون حجة. هذا مضافا الى التصريح به في صحيح حريز عن أبي عبد الله عليه السلام: «الصائم إذا خاف على عينيه من الرمذ<sup>٥</sup> أفطر»<sup>٦</sup>، و لا تحتمل الخصوصية للمورد.

١٢. و اما حجّية قول الطبيب الحاذق الثقة فلانه طريق عقلائي لا ردع عنه فيلزم الأخذ به و ان لم يحصل وثوق. أجل مع حصول العلم بخطئه أو الاطمئنان فلا حجّية له لأنه كسائر الحجج المجعولة حالة الشك.

و بهذا يتّضح ان الحجّة في باب المرض اما الخوف الوجداني من الضرر أو قول الطبيب الحاذق. هذا و قد يقيد الخوف بما اذا كان ناشئا من منشأ عقلائي باعتبار انصراف النص المتقدم الى ذلك، و عدم اقتضاء سيرة العقلاء لاكثر من ذلك.

سید کاظم در نایب من یاقین وجدانی از ضرر است و یا قول طیب ماهر الله بالهدایة

١. وسائل الشیعة: باب ٦ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ٦.

٢. وسائل الشیعة: باب ٦ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ٣.

٣. وسائل الشیعة: باب ٥ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ١.

٤. وسائل الشیعة: باب ٢٠ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ٣.

٥. رمذ: در لغت به معنای رنگ خاکستری است و اصطلاحا به نوعی بیماری چشم اطلاق می شود. «همان، ص ٢٤١».

٦. وسائل الشیعة: باب ١٩ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ١.

## استثنائات روزه در سفر

در درس قبل، دو مورد از مواردی که روزه در سفر استثنا شده بود بیان شد، در این درس به سومین مورد اشاره می‌شود.

مشهور علما معتقدند که: مسافری که قبل از ظهر به وطنش رسیده و در طی این سفر، مبطلات روزه را انجام نداده باشد، روزه‌اش صحیح است؛ به دلیل موثقه ابی بصیر: «از امام علیه السلام در مورد مردی که در ماه رمضان از سفر بر می‌گردد، سؤال کردم فرمود: اگر قبل از زوال خورشید برسد باید روزه را بگیرد و به روزه آن روز اعتنا نماید».

نکته: این شخص در طول مسیر بین روزه گرفتن و افطار کردن مخیر بوده است؛ یعنی می‌توانسته در طول سفر افطار کند اما افطار نکرده است تا به وطن رسیده است و چنین مسافری، زمانی که به وطن برسد دیگر نمی‌تواند افطار کند و باید روزه آن روزش را تمام کند و دلیل این مسأله روایاتی است که در این باب نقل شده است؛ مانند روایت صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه‌السلام «از امام باقر علیه‌السلام سؤال کردم در مورد مرد مسافر، زمانی که صبح است و یا هنگام بالا آمدن خورشید در ماه رمضان، بر خانواده‌اش وارد می‌شود، امام فرمود: اگر بعد از فجر سفر کند، قبل از آن که به خانه‌اش برگردد، مخیر است که روزه بگیرد، یا افطار کند».

### شرطیت قصد اقامت در صحت صوم

مورد بعدی از شرایط صحت روزه این است که اگر شخص به جایی برسد که قصد اقامت ده روز در آنجا نماید، اگر قبل از طلوع فجر یا قبل از ظهر به آن مقصد برسد باید روزه آن روز را بگیرد. البته برخی روایات تفصیل داده‌اند؛ که اگر قبل از طلوع فجر برسد، باید روزه‌اش را بگیرد؛ اما اگر بعد از طلوع فجر برسد، بین روزه گرفتن و افطار کردن مخیر می‌باشد. البته هیچ یک از مشهور علما به این روایت عمل نکرده‌اند و معتقدند که شخص اگر قبل از زوال هم برسد باید روزه آن روز را بگیرد و احتیاط نیز مقتضی این است که باید روزه آن روز را بگیرد؛ زیرا احتیاط باعث جلوگیری از مخالفت با مشهور و صحیحه محمد بن مسلم می‌شود.

### تطبیق

۸. و اما المسافر العائد إلى وطنه، فالمشهور التفصیل فیہ بین قدومه قبل الزوال فعلیه الصوم ان لم یکن قد أفطر و ما بعده فلیس له ذلک لموثق أبی بصیر: «سألته عن الرجل یقدم من سفر فی شهر رمضان، فقال: ان قدم قبل زوال الشمس فعلیه صیام ذلک الیوم و یعتدّ به»<sup>۱</sup> و غیره.

و اما (در مورد صحت روزه) مسافری که به وطنش برمی‌گردد، مشهور قائل به تفصیل شده‌اند به این که، اگر افطار نکرده و قبل از زوال خورشید به وطن برسد، باید روزه بگیرد و اگر بعد از زوال برسد، نمی‌تواند روزه بگیرد؛ به دلیل موثقه ابی بصیر: «از امام سؤال کردم در مورد مردی که در ماه رمضان از سفر برمی‌گردد، فرمود: اگر قبل از زوال خورشید برسد، باید روزه بگیرد و به روزه آن روز اعتماد کند» و غیر این روایت.

۱. وسائل الشیعة: باب ۶ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ۶.

أجل هو قبل الوصول الى وطنه بالخيار لصحيح محمد بن مسلم: «سألت أبا جعفر عليه السلام عن الرجل يقدم من سفر في شهر رمضان فيدخل أهله حين يصبح أو ارتفاع النهار، قال: إذا طلع الفجر و هو خارج و لم يدخل أهله فهو بالخيار ان شاء صام و إن شاء أفطر»<sup>۱</sup> و غيره.

بله مسافر قبل از رسیدن به وطن مخیر است (که افطار کند یا روزه اش را ادامه دهد) به دلیل صحیح محمد بن مسلم «از امام باقر علیه السلام سؤال کردم در مورد مرد مسافری که در ماه رمضان بر خانواده اش وارد می شود، زمانی که صبح است و یا هنگام بالا آمدن خورشید است، امام فرمود: اگر فجر طلوع کند در حالی که او خارج از خانه است و هنوز بر خانواده اش وارد نشده باشد مخیر است، اگر خواست روزه بگیرد و اگر خواست افطار نماید.» و غیر از این روایت.<sup>۲</sup>

۹. و اما الداخل بلدا يعزم فيه على الإقامة فعليه صومه ان وصله قبل الفجر و له ذلك ان وصله قبل الزوال لصحيح محمد بن مسلم عن أبي عبد الله عليه السلام: «... فإذا دخل أرضا قبل طلوع الفجر و هو يريد الإقامة بها فعليه صوم ذلك اليوم، و ان دخل بعد طلوع الفجر فلا صيام عليه و ان شاء صام»<sup>۳</sup>.

کسی وارد شهری شود که می خواهد در آن اقامت کند، اگر قبل از فجر و یا قبل زوال برسد، باید روزه بگیرد، دلیل آن صحیح محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام می باشد: «اگر مسافر قبل از طلوع فجر وارد مکانی بشود که می

خواهد در آنجا اقامت کند، باید روزه آن روز را بگیرد و اگر بعد از طلوع فجر برسد، بر او روزه واجب نیست و اگر خواست، می تواند روزه بگیرد».

هذا و لكن المشهور وجوب الصوم عليه متى ما وصل قبل الزوال بدون فرق بين ما قبل الفجر و ما بعده؛ و الاحتياط يقتضى ذلك لان به يحصل التحفظ من مخالفتهم و مخالفة الصحيح.

و اما قول مشهور این است که اگر قبل از زوال برسد، واجب است روزه بگیرد و تفاوتی نمی کند که قبل از فجر باشد یا بعد از فجر. و احتیاط مقتضی وجوب است، زیرا به وسیله آن از مخالفت با مشهور و مخالفت با صحیح جلوگیری می شود.

SCO۱ : ۱۱ : ۲

### شرطیت بیمار نبودن در صحت روزه

یکی دیگر از شرایط صحت روزه این است که انسان، مریض نباشد. و روزه بر بیمار واجب نیست و باید قضای آن را در ایام دیگر بجا آورد. دلایل این شرط بدین گونه است:

۱. وسائل الشیعة: باب ۶ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ۳.

۲. مراد از روزه بگیرد؛ یعنی این که روزه اش را ادامه بدهد تا این که به منزل خود برسد نه این که تمام روز در سفر باشد و روزه بگیرد.

۳. وسائل الشیعة: باب ۵ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ۱.

الف) قرآن کریم: قرآن کریم می‌فرماید: «... فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ...»<sup>۱</sup>، یعنی «... و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را روزه بدارد...».

ب) روایات: روایات متعددی نیز در این بحث وارد شده است.

نکته: هر نوع بیماری باعث بطلان روزه نمی‌شود، بلکه بیماری موجب بطلان روزه است که روزه برای او ضرر داشته باشد، به دو دلیل:

دلیل نخست: ظاهر روایاتی که عنوان بیماری در آنها وجود دارد انصراف به بیماری مضر دارد.

دلیل دوم: در برخی روایات به بیماری مضر تصریح شده و زمانی که از امام علیه السلام سؤال شده که ملاک بیماری چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: ملاک، تشخیص خود شخص است اگر تصور می‌کند که برای او ضرر دارد حق ندارد روزه بگیرد. از این روایات به دست می‌آید که ملاک مضر بودن روزه به سلامتی است.

نکته دیگر این‌که همین مقدار که برای شخص، خوف و ترس نسبت به ضرر وجود داشته باشد کافی است برای این‌که در آن وضعیت، روزه نگیرد به دو دلیل:

الف) سیره عقلاء: عقلاء عالم این گونه‌اند که هرگاه در موردی به اضرار آن یقین نداشته باشند، اما در عین حال نگرانی و خوف داشته باشند که ممکن است به آنها ضرری وارد شود در چنین مواردی به ترس و نگرانی‌شان ترتیب اثر می‌دهند و از انجام دادن آن عمل پرهیز می‌کنند و شارع هم بر این سیره و بناء عقلا مهر تایید زده است.

ب) روایات: با مراجعه به روایت «حریز»<sup>۲</sup> می‌بینیم در روایت، تعبیر به خوف شده است که اگر به خاطر بیماری و ناراحتی که وجود دارد، خوف داشته باشد که به او ضرر وارد شود، لازم نیست روزه بگیرد و در این روایات تعبیر به علم و یقین نشده است، بلکه روایت موضوع عدم جواز روزه را خوف و ضرر قرار داده است.

### تطبیق

۱۰. و اما اعتبار عدم المرض المضرّ فلقوله تعالی: «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» و النصوص الشریفة.

و اما مستند عدم مرض (برای صحت روزه) سخن خدای بلند مرتبه است که می‌فرماید: «هر کس مریض و یا در سفر باشد ماه‌های دیگر روزه بگیرد» و روایات شریفه (مستند دوم).

و اما اعتبار استلزامه للضرر فلانصراف إلیه و التصریح به فی صحیح محمد بن مسلم: «قلت لأبی عبد الله علیه السلام: ما حدّ المریض إذا نقه فی الصیام؟ فقال: ذلک إلیه هو أعلم بنفسه إذا قوی فلیصم»<sup>۳</sup> و غیره.

و اما شرطیت عدم مرض ملازم است با مرضی که برای روزه دار ضرر داشته باشد، به دلیل انصراف روایات به ضرر که در صحیح محمد بن مسلم به آن تصریح شده است: «به امام صادق علیه السلام گفتم: حد و مقدار مرض

۱. بقره / ۱۸۵

۲. عن ابی عبد الله علیه السلام: الصائم اذا خاف علی عینیه من الرمذ افطر.

۳. وسائل الشیعة: باب ۲۰ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ۳.

که موجب افطار روزه باشد چقدر است؟ امام فرمود: تشخیص مقدار مرض دست روزه‌دار است و خودش نسبت به قدرت خود دانایتر است و اگر می‌تواند روزه بگیرد» و غیر این روایات.

۱۱. و اما كفاية الخوف لاحرازه، فلأن ذلك طريق عقلائی فی باب تشخیص الضرر، و حیث لم یردع عنه فیکون حجة. هذا مضافا الى التصريح به فی صحیح حریر عن أبی عبد الله علیه‌السلام: «الصائم إذا خاف علی عینیه من الرمء أفطر»<sup>۱</sup>، و لا تحتل الخوصیة للمورد.

خوف از ضرر برای احراز ضرر کفایت می‌کند، برای این‌که دلیل عقلایی در باب تشخیص ضرر اعتنا کردن به خوف است و شارع هم آن را ردع نکرده است، پس حجت است علاوه بر این‌که حدیث حریر از امام صادق علیه‌السلام نیز بر آن صراحت دارد: «روزه دار اگر از ضرر به چشمانش می‌ترسد افطار کند». روشن است که ضرر به چشم دخالتی در حکم ندارد بلکه چشم، به عنوان مثال و مورد ذکر شده است بنابراین با دلایل ذکر شده ترس از مرض، خواه مریضی چشم باشد یا مریضی‌های دیگر برای افطار روزه حجت است.

SCO۲ : ۱۸ : ۵۳

سؤال: پزشکی که در رشته خودش تخصص دارد و شخص مورد وثوقی هم هست اگر به شخص بیمار بگوید که روزه ضرر دارد آیا قول او حجت است یا نه؟

پاسخ: قول ثقه و متخصص حجت دارد؛ زیرا عقلا به کلامش ترتیب اثر می‌دهند و شارع مقدس هم از آن نهی نکرده است و از عدم نهی شارع کشف می‌شود که این عمل عقلا مورد قبول و پذیرش شارع نیز می‌باشد؛ گرچه برای خود شخص وثوق و اطمینان حاصل نشود<sup>۲</sup>.

البته در صورتی که علم یا اطمینان برای فرد حاصل شود که طبیب دچار لغزش شده است و اشتباه کرده است در این موارد نظر طبیب حجت ندارد؛ زیرا مثل سایر حجت‌ها وقتی علم به ضد آن پیدا شود حجت نیست. «در مواردی که شارع از سیره عقلا نهی کرده باشد، طبیعی است که سیره عقلاء در آن موارد حجت نباشد مثلاً در مسأله ربا، گرچه ممکن است عقلا هم از آن استفاده کنند اما شارع از آن نهی کرده است؛ و لذا سیره عقلاء در این موارد حجت نیست.

سؤال: آیا این خوف شامل هر گونه خوف و نگرانی می‌شود، هر چند میزان و مقدار ضررش بسیار اندک باشد؟ مثلاً نزدیک ظهر آیابا ظاهر شدن نشانه‌های ضعف بدنی، اگر فرد نگران شود روزه این روز برایش ضرر داشته باشد می‌تواند افطار کند؟

پاسخ: خوف باید به اندازه‌ای باشد که عقلا به آن ترتیب اثر بدهند و به آن اعتنا کنند. دلیل این گفته روایت حریر است که در سابق بیان شد و گفتیم خوف در روایت انصراف به مقداری دارد که منشأ عقلایی داشته باشد.

۱. وسائل الشیعة: باب ۱۹ من ابواب من یصح منه الصوم، حدیث ۱.

۲. البته هیچ یک از معاصرین قول طبیب را به تنهایی حجت نمی‌دانند، مگر این‌که یقین به صحت قولش پیدا شود.

جایز نیست  
 راه اثبات ضرری بودن روزه }  
 خود شخص یقین کند.  
 دکتر ماهر قابل اعتماد به او بگوید.  
 روزه ضرری  
 همین قدر که خوف ضرر داشته باشد برای اثبات ضرری بودن کافی است.  
 مستند حجیت قول طبیب، سیره عقلا است.

### تطبيق

۱۲. و اما حجیة قول الطیب الحاذق الثقة فلانه طریق عقلائی لا ردع عنه فیلزم الأخذ به و ان لم یحصل وثوق. أجل مع حصول العلم بخطئه أو الاطمئنان فلا حجیة له لأنه كسائر الحجج المجعولة حالة الشك.  
 و اما دلیل حجیت قول دکتر ماهر و ثقه در مورد مرض سیره عقلایی بوده و از ناحیه شارع نیز ردع نشده است لذا لازم است؛ به قول طبیب عمل شود، اگر چه از کلام او وثوق و اطمینان حاصل نشده باشد. البته اگر علم و اطمینان داشته باشیم که کلام طبیب اشتباه است، قول طبیب حجت نیست؛ زیرا قول طبیب نیز مانند بقیه حجت‌ها هنگام شک، از حجیت ساقط می‌شود.

و بهذا یتضح ان الحجّة فی باب المرض اما الخوف الوجدانی من الضرر أو قول الطیب الحاذق. هذا و قد یقید الخوف بما اذا كان ناشئا من منشأ عقلائی باعتبار انصراف النص المتقدم الی ذلك، و عدم اقتضاء سیره العقلاء لاكثر من ذلك.  
 با دلایل بالا روشن می‌شود که حجت در باب مرض، یا ترس وجدانی از ضرر است و یا قول طبیب ماهر. البته باید گفت که خوف و ترس از مرض مقید به حالتی است که منشأ عقلایی داشته باشد، چرا که روایت متقدم به آن انصراف دارد و سیره عقلاء به بیش‌تر از خوف عقلایی دلالت ندارد!

SC03 : 28 : 5

۱. سؤال: چه فرق است که موضوع جواز افطار، خوف ضرر باشد یا ضرر واقعی؟

جواب: فایده در کشف خلاف مشخص می‌شود به طوری که اگر بعدا معلوم شود بیماری برای او ضرر نداشته و موضوع، خوف باشد روزه او صحیح است و نیاز به اعاده ندارد؛ زیرا او وجدانا خوف داشته است. اما اگر موضوع، ضرر واقعی باشد باید روزه اش را قضا نماید(التنقیح فی شرح عروة الوثقی، ج ۵ ص ۲۴۵).



## چکیده

۱. مشهور فقها می‌گویند: مسافری که در طول سفر افطار نکرده است، اگر قبل از زوال به وطنش برگردد یا به جایی که قصد اقامت دارد، باید روزه آن روزش را تمام کند.
۲. مسافر قبل از این‌که به وطنش برسد منخیر است که در طول سفر افطار کند یا امساک کند.
۳. یکی از شرایط صحت روزه آن است که روزه‌دار مریض نباشد و دلیل آن آیه قرآن کریم و نصوص روایی است. البته مراد مرضی است که روزه باعث ضرر به شخص شود.
۴. روزه دار همین‌که خوف ضرر داشته باشد برای اثبات حکم کافی است به دلیل سیره و روایت حریز.
۵. تشخیص دکتر ماهری که مورد اطمینان است برای اثبات ضرری بودن روزه حجت است، گرچه برای مکلف اطمینان حاصل نشود.
۶. خوف و ترسی که منشا عقلایی داشته باشد می‌تواند مانع از روزه گرفتن شود نه هر گونه ترسی، به دلیل آن‌که سیره عقلا دلیل لبی است و اطلاق ندارد و در مورد دلیل لبی جایی که مشکوک باشد به قدر متیقن تمسک می‌شود و لذا سیره عقلا بیش از این را در بر نمی‌گیرد و روایت حریز نیز به همین مقدار انصراف دارد.